

برای حرکت ایران و ایرانیان در مسیر کمال، استقلال سیاسی پیش شرط و امری لازم و ضروری است؛ اما هنوز کافی نیست. برای حرکت در مسیر پیشرفت و کمال جامعه ایران، علاوه بر استقلال، به تحقق و تعمیق عدالت و تحکیم جمهوریت نیاز دارد.

قانون اساسی مشروطه تحت تأثیر حضور و نفوذ روحانیت فعال در جنبش مشروطه به تصویب رسید. هرچند همان‌گونه که گفتیم مسیر حرکت و سرانجام ماجرای مشروطه به گونه‌ای شد که به میوه‌چینی لیبرال‌ها انجامید و زمینه‌ساز به قدرت رسیدن استبداد مطلق‌العنان شبه‌مدرنیستی شد.

جنبش موسوم به ملی شدن نفت را نیز اگرچه در نهایت لیبرال - ناسیونالیست مدیریت کرد و تزلزل و ضعف جماعت لیبرال - ناسیونالیست و تعلق خاطرشان به شبه‌مدرنیته و سرمایه‌داری زمینه‌ساز شکست جنبش شد، کیست که نداند اگر حضور و حمایت روحانیت و طیف مذهبی پیروان در بدنه مردمی حرکت (که موجب رخداد سی‌تیر شد) نبود، مصدق هرگز نمی‌توانست پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه دوباره به نخست‌وزیری برگردد.

روحانیت در تاریخ ایران از لحاظ اجتماعی و سیاسی فعال‌ترین و موفق‌ترین نهاد و جریان مدافع استقلال و مبارزه سیاسی و فرهنگی با امپریالیسم و نظام جهانی سلطه بوده است. در تاریخ معاصر ایران که مسئله اصلی، مسئله تقابل با نظام جهانی سلطه و دفاع از مرزهای وجودی و استقلال و جلوگیری از بلعیده شدن ایران توسط نظام جهانی سلطه بوده است، این نقش و کارکرد روحانیت شیعه فوق‌العاده مهم و حیاتی است و جامعه ایران معاصر بازبایی استقلال سیاسی و رهایی از سلطه خارجی را مدیون نقش‌آفرینی و رهبری پیگیر و قاطع و پتانسیل روحانیت شیعه در بسیج مردمی بوده است، پتانسیلی که ریشه در پیوند و صبغه مردمی این نهاد از زمان صفویه تا دوران معاصر داشته است.

شبه‌مدرنیته ایرانی به ترویج نوعی روایت هویتی پرداخته است. دیسکورس هویت ایرانی متجددمآبانه پایه و مایه‌ای سکولار - ناسیونالیستی دارد. این دیسکورس هویتی در افق تجددمآبی قرار دارد و مقوم آن است. شبه‌مدرنیته ایرانی به لحاظ تاریخی در بن‌بست قرار دارد و سترون است، بر این اساس، مشخص است این روایت متجددمآبانه از هویت ایرانی حتی اگر به‌طور کامل فعلیت و تحقق بیابد و حاکم شود، نتیجه‌ای جز تشدید و تعمیق اسارت در بن‌بست به بار نمی‌آورد. برای رهایی از این بن‌بست باید به افق‌ها و چشم‌اندازی ورای شبه‌مدرنیته ایرانی اندیشید و زمینه‌های ظهور و تحقق نحوی هویت بدیل را فراهم ساخت، هویتی که منطبق با وضع رستاخیز عالم ایرانی اسلامی باشد و چشم‌اندازهای وجودی نوینی را فراروی تاریخ ایران قرار دهد. این روایت از هویت ایرانی را می‌توان «هویت معنوی - انقلابی» نامید که بر پایه «ایده ایران انقلابی» قرار دارد (ایده ایران انقلابی) مفهومی است که به توضیح و شرح و تبیین و بسط تئوریک در یک مقال و مجال مستقل و مبسوط نیاز دارد و در این مجال فرصت پرداختن به آن وجود ندارد. تشیع و آموزه‌های قدسی آن می‌تواند و باید که هسته مرکزی این هویت بدیل مبتنی بر این ایده باشد.

به بحثمان در خصوص سه گم‌شده اصلی جامعه ایران در تاریخ معاصر این